

در نوشته حاضر چستی تجارت و ماهیت تجارت مادی ومعنوی تشریح شده و برخی از ویژگی‌های تجارت سالم از نگاه قرآن مورد بررسی قرار گرفته است.

تجارت حقیقی، تجارت با خدا

واژه تجارت از ریشه کلمه عربی تجر به معنای ممارست در خرید و فروش است. بنابراین با فروششده فرق دارد؛ زیرا تاجر کسی است که خرید و فروش را به عنوان یک حرفه انتخاب کرده و محض در کار خرید و فروش است. از آنجا که تاجر، تجارت را به عنوان یک حرفه انتخاب کرده است، به طور عادی نسبت به زیر و بم خرید و فروش و شیوه‌های آن ماهر است و می‌تواند کالا و خدمات را به شکل مطلوب با سود مناسب به فروش بگذارد و اهداف خویش را در راستای افزایش سود تحقق بخشد.

واژه تجارت چندین بسار در آیات قرآن به همین معنای خرید و فروش برای سود به کار رفته است و خدا به صراحت درباره این عمل اقتصادی می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال یکدیگر را به ناسق مغورید، مگر آنکه تجارتی باشد که هر دو طرف بدان رضایت داده باشید. (نساء، ۲۹)

انسان می‌تواند این نوع تجارت داشته باشد که شامل تجارت مادی با یکدیگر و تجارت معنوی با خدا است؛ در تجارت معنوی انسان مالی را در راه خدا اتفاق می‌کند یا قرض می‌دهد که نتیجه آن نه تنها در آخرت بلکه در افزایش ثروت در همین دنیا و برکت‌یابی ثروت، خودش را نشان می‌دهد و اموال مضاعف می‌شود. بنابراین، انسان نمی‌بایست در تجارت با خدا، گمان کند که زیان کرده است، هر چند که در ظاهر چنین است ولی در باطن و در تاولیل آن در همین دنیا نیز معلوم می‌شود که سود حقیقی برای کسی است که با خدا معامله و تجارت می‌کند.

تجارت با خدا در قالب اتفاقات مالی، تجارتی بدون ضرر و بی‌بائی است؛ کلمه همواره آثار و برکات آن باقی و برقرار خواهد ماند (فاطر، آیه ۲۹)، چنان‌که تجارت در راه خدا با انفاق مال و جان در صحنه چهار نیز تجارتی است که انسان را از غلبه‌های دنیوی و اخروی نجات می‌دهد و به پیشرفت و سعادت ابدی می‌رساند. (صفه، آیه ۱۰ تا ۱۲) بنابراین انسان باید در انتخاب طرف تجاری خود دقت کند و با هر کسی تجارت نکند، بلکه همان طور که تاجر خرده‌من، سعی می‌کند تا با کسی تجارت کند که سود بیشتر و مناسب‌تری را عاید او سازد، می‌بایست با خدایی تجارت کرد که سود دنیوی و اخروی‌اش تضمین شده و کامل و تمام است. پس نباید محبت سود مادی اندک

مطمئن، بی‌زیان و ابدی باشند و اجازه ندهند که تجارت‌های ظاهری و مادی اندک دنیوی آنان را از اصل هدف زندگی و فلسفه آن دور سازد.

(نور، آیات ۲۷ و ۲۸)

تضمین تجاری، ابزار افزایش سرمایه و جهش تولید

همان طوری که از اصل واژه تجارت دانسته شد، تجارت ابزاری اقتصادی برای ایجاد سود و افزایش آن است. تاجر به سبب آنکه در خرید و فروش حرفه‌ای است، به طور طبیعی در کار خویش اهل حساب و کتاب دقیق است. از همین رو تاجران به طور معمولی همه چیز را کتابت



می‌کنند تا میزان سرمایه و نیز سود و زیان در تجارت در دستشان باشد. آنان حتی در تجارت‌های قرار داده‌ها تضمین‌کننده است می‌تواند آنان را در اثبات جزئیات قرارداد توانا سازد و در صورت لزوم آن را به عنوان حجت در محاکم قضایی یا دآوری به کار گیرند. از همین رو حتی در تجارت‌های خرد و حاضر نیز به قرارداد و کتابت و نگارش آن اهتمام دارند، هر چند که از سوی خدا مجوزی برای عدم نگارش چنین معاملات خرد و حاضری داده شده است (بقره، آیه ۲۸۲)، ولی مقتضای تقوای الهی آن است که حتی دراین گونه معاملات نیز اسناد مکتوب در اختیار باشد تا مشکلاتی را موجب نشود.

خدا در آیات قرآن برای اینکه سود سرمایه در تجارت به شکلی در ساختار عدالت باشد، قوانین و احکامی را بیان کرده است که در اینجا به آن

در معاملات و تجارت لازم است رضایت طرفین به خوبی و روشنی کسب شود و هیچ‌گونه اجبار و اکراه در آن راه نیابد؛ زیرا اکراه و اجبار و مانند آنها موجب می‌شود که اصل معامله و تجارت مخدوش باشد و از صحت خارج شود؛ چنان‌که می‌تواند برکت و آثار مثبت تجارت را از میان بردارد و خدا برکت زدایی از چنین معاملاتی کند.

دنیوی موجب شود که انسان از سود اصلی سعادت و آسایش و آرامش دست بردار(دثویه، آیه ۲۴) شایسته است مردان بزرگ چنین تجارتی را در پیش گیرند و همواره در تجارت همانند یک تاجر زیرک و خرده‌مند دنبال تجارتی با سودی

از آیاتی که خدا در قرآن برای تجارت بی‌پایان پرسود با خود در قالب انفاق و جهاد و مانند آنها بیان می‌کند، معلوم می‌شود که تضمین تجاری نقش اساسی در ایجاد انگیزه برای سرمایه‌گذاری است.

معارفMaarefKayhan@Kayhan.ir

سرمایه‌گذاران افزایش می‌دهد.

از آیاتی که خدا در قرآن برای تجارت بی‌پایان پرسود با خود در قالب انفاق و جهاد و مانند آنها بیان می‌کند، معلوم می‌شود که تضمین تجاری نقش اساسی در ایجاد انگیزه برای سرمایه‌گذاری است. (توبه، آیه ۲۴؛ فاطر، آیه ۲۹؛ صفه، آیات ۱۰ تا ۱۲)
بنابراین، آن آیات اختصاصی به حوزه اعتقادی ندارد، بلکه در عرصه مباحث اقتصادی و تجارت مادی دنیوی‌و نیز به عنوان یک اصل عقلی می‌بایست مورد توجه قرار گیرد؛ در حقیقت آیات قرآن براساس یک اصل عقلی به این نکته توجه می‌دهد که ایجاد انگیزه در



تجارت نمی‌تواند یک عملیات اقتصادی باشد؛ زیرا عمل اقتصادی زمانی می‌تواند اقتصاد اجتماع را سرپا نگه دارد که در یک شکل مستمر و دایمی باشد. شکی نیست که خرید و فروش متناوب با عدم استمرار دائم نمی‌تواند تضمین‌کننده تولید و سود باشد؛ زیرا زمانی تولیدکننده با سرمایه‌گذاری به تولید اقدام می‌کند که تضمین فروش و وجود داشته باشد؛ در بیع چنین اتفاقی نمی‌افتد، اما در تجارت که دارای ساختار تخصصی برای فروش سودآور است، چنین تضمینی وجود دارد. بنابراین، تولیدکننده با تجارت می‌تواند این

اطمینان را بایده که فروش سودآور برایش تحقق می‌یابد و می‌تواند سرمایه خویش را نه تنها برگرداند، بلکه سود مناسبی نیز نصیب خود سازد. به سخن دیگر، تجارت بویژه تجارت خارجی به سبب ارزآوری عاملی مهم برای ایجاد انگیزه قوی در میان تولید کنندگان و سرمایه‌گذاران است؛ چرا که هر چه برنامه تجاری و ساختار آن مستحکمز و قوی‌تر باشد، به همان میزان انگیزه در تولید و سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد. تجارت قوی و پیوندهای تجاری با کشورهای دیگر به معنای افزایش تضمینی در صادرات و سودآوری و بازگشت سرمایه و سود به دست تولید کنندگان

است؛ چرا که هر چه برنامه تجاری و ساختار آن مستحکمز و قوی‌تر باشد، به همان میزان انگیزه در تولید و سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد. تجارت قوی و پیوندهای تجاری با کشورهای دیگر به معنای افزایش تضمینی در صادرات و سودآوری و بازگشت سرمایه و سود به دست تولید کنندگان و سرمایه‌گذاران است. شکی نیست که بازگشت همراه با سود سرمایه خود به تنهایی می‌تواند امید بهه جیش اقتصادی را موجب شود؛ زیرا فروش تضمینی و سود تضمینی در چارچوب تجارت ساختاری انگیزه را در تولید کنندگان و

استقامت و مصادیق آن

سید رسول مولایی

از دیگر مصادیق استقامت، این است که مومنان در برابر فشارهای درونی و بیرونی، هرگز از دایره اطاعت خدا و اولیای او خارج نشوند و ترک انجام واجبات و مستحبات و ترک هیچ‌کسی هراسی به دل راه ندهند. اولیای الهی سپارند و هرگز بر خلاف آن عمل نکنند.

سید رسول مولایی

مسلم ج ۴، ص ۲۱۷۴، ح ۱، سنن الترمذی، ج ۴، ص ۶۹۳، ج ۲۵۵۹) همچنین آن حضرت می‌فرماید: **الَّتْزِ بِالْشُّوْطِ، وَحُجَّتِ الْجَنَّةُ بِالْمَكَارِهِ** آتش دوزخ با پرده شهوات، پوشانده شده نخستین جلوه و تقوای الهی را می‌بایست در ترک

و عدم انجام دیده؛ زیرا انسان بیش از آنکه ظفری را از آب بر کند، باید آن را پاکسازی کرده و موزدی که ظرف یا آب را ناپاک می‌کند، حذف نماید یا از

ورود آن جلوگیری کند. از نظر آموزه‌های قرآن، این مصادیق استقامت در زندگی آن است که انسان اجازه ندهد تا پلیدی و گناهی در زندگی او راه یابد و او را تحت تأثیر قرار دهد. از همین رو اجتناب از بدپرستی(مانده، آیه ۹۰)، پلیدی(همان)، شراب‌خواری(همان)، قماربازی(همان)، رسوم جاهلیت(بقره، آیه ۱۸۹)، و غیره(حصر، حشر، آیه ۹؛ تغابن، آیه ۱۶) و مانند آنها به‌عنوان عوامل رستگاری بیان شده است. باید توجه داشت که انسان مومن می‌بایست دارای دو سطح صبر و حلم در استقامت باشد و بتواند در برابر سه گانه مصیبت، اطاعت و مصیبت، شکیبایی و بردباری ورزد. البته شکنی نیست که صبر در برابر مصیبت صمیم صمیمیست؛ سخت‌تر از صبر در اطاعت است؛ زیرا شرایط برای مصیبت در دنیا آسان‌تر و اطاعت سخت‌تر است تا جایی که پیامبر(ص) می‌فرماید:

حَقَّتِ الْجَنَّةُ بِالْمَكَارِهِ، وَحَقَّتِ النَّارُ بِالْشُّوْطِ؛ بهشت، به ناملایمات، احاطه شده است و دوزخ با شهوات، در میان گرفته شده است.(کنز العمال، ج ۳، ص ۲۲۲، ج ۶۸۰۵؛ نهج‌البلاغه، الخطبة ۱۷۶، نحوه، تنبیه الخواطر، ج ۱، ص ۱۹۰، روضةالواعظین، ص ۴۶۱؛ بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۸۸، ج ۱۲؛ صحیح

معارف

MaarefKayhan@Kayhan.ir

اصلاحات اقتصادی و اصلاح اجتماعی را به دنبال خود داشت.(هود، آیه ۸۵)

خدا در قرآن به مومنان هشدار می‌دهد که فساد اقتصادی در هر شکلی می‌تواند اجتماع انسانی را به تباهی بکشد؛ و نه تنها مشروعیت سیاسی را از میان بردارد، بلکه روابط اجتماعی میان افراد یک اجتماع مختل (نساء، آیه ۲۹) اصولاً نخستین آثار تباهی و فساد اقتصادی در رفتار اجتماعی و فرهنگی بروز و ظهور می‌کند که از جمله آنها سقط جنین و کفر به دنبال فشار اقتصادی یا احتمال فشار و کمبود اقتصادی است. (همان؛ انعام، آیه ۱۵۱؛ اسراء، آیه ۳۱)

ویژگی‌های اساسی تجارت سالم از نگاه قرآن عبارت است از:

۱. عدالت محور: تجارتی می‌تواند از سوی خود مراد ضمانت قرار گیرد و رشد و پیشرفت را به دنبال داشته باشد که عدالت در آن به شکل ملموس و محسوس به چشم آید. بی‌گمان در مسائل تجاری که بنیاد آن بر کمیات است، استفاده از ابزارهای تشخیص کمیات بسیار مهم و اساسی است. از همین رو بر روی کیل و پیمانه و ترازو تأکید خاص می‌شود. البته برخی از موارد تجارت در ساختار کیفیت ساماندهی می‌شود. بنابراین در این موارد نیز نمی‌توان در کیفیت محصول و خرید و فروش کم و اجبار و مانند آنها موجب می‌شود که اصل معامله

هر گونه تجارت به شکل کم فروشی، گران فروشی، کم‌گذاری و بخش، حرام فروشی، پلید فروشی و مانند آنها موجب بطلان معامله است.

گناشت که قرآن از آن به بخش تعبیر می‌کند. پس تجارتی می‌تواند موجب صلاح و خیر اجتماع باشد و جامعه را به سوی تعالی و پیشرفت همه‌جانبه سوق دهد که در محور و مدار عدالت کمی و کیفی باشد. (صراف، آیه ۵۱؛ انعام، آیه ۱۵۲؛ مطفئین، آیات ۲ و ۳)

گناشت که قرآن از آن به بخش تعبیر می‌کند. پس تجارتی می‌تواند موجب صلاح و خیر اجتماع باشد و جامعه را به سوی تعالی و پیشرفت همه‌جانبه سوق دهد که در محور و مدار عدالت کمی و کیفی باشد. (صراف، آیه ۵۱؛ انعام، آیه ۱۵۲؛ مطفئین، آیات ۲ و ۳)

خدا در قرآن به مومنان هشدار می‌دهد که فساد اقتصادی در هر شکلی می‌تواند اجتماع انسانی را به تباهی بکشد؛ و نه تنها مشروعیت سیاسی را از میان بردارد، بلکه روابط اجتماعی میان افراد یک اجتماع مختل شود.

۲. مراعات عناصر فرهنگی: تجارت به عنوان یک عمل اقتصادی نمی‌تواند بیرون از دایره هراسی به دل راه ندهد؛ زیرا در نهایت به یکی از دو نیکی بزرگ پیروزی یا شهادت می‌رسد که رستگاری عظیم است.(توبه، آیات ۵۲ و ۱۱۱)

۵. امر به معروف و نهی از منکر: استقامت مومنان باید در همه عرصه‌ها جان و روان گرفته تا اجتماعی و سیاسی تا منطقه‌ای و جهانی خودنمایی کند. پس همان طوری که در ساخت جان نسبت به سوسه‌های شیطانی و نفسانی مقاومت می‌کند اما طمع له ناشد، همچنین در ساخت امت اسلام به گونه‌ای عمل می‌کند تا در قالب ولایت متقابل مومنان، واجبات و مستحبات اسلامی در جامعه اقامه شده و از محرمات و مکروهات جلوگیری شود. مومنان با استقامت ثابت می‌کنند که از سطح جهانی اسلام به عنوان یک حقیقت تبلیغ و اعلام شود و مرمات برای اقامه قسط قیام کنند. بر همین اساس در یک ساختار نظام مند و نهادهی اجتماعی تلاش می‌کند تا امر به معروف و نهی از منکر اقامه شود. آنان در برابر هنجارشکنان و شرع‌گریزان و قانون شکنان هرگز کوتاه نمی‌آیند و به این فریضه در سطوح مختلف بیانی و عملی در ساحت گوناگون در همه جغرافیای داخلی و خارجی به‌اشکال گوناگون عمل می‌کنند. البته این فریضه نخست در میان امت باید اجرایی شود و مومنان با استقامت آن را نهادهی سازند تا رستگاری را برای خود و مسلمانان به ارمغان آورند (ال عمران، آیه ۱۰۴؛ توبه، آیات ۷۱ و ۷۲ و ۱۱۱ و ۱۱۲)، اما باید در سطح جهانی نیز اقداماتی برای اقامه عدالت و مبارزه با مستکبران و ظالمان انجام گیرد تا رستگاری برای مومنان با استقامت رقم خورد؛ چرا که اسلام دین اجتماعی و جهانی است و مسئولیت مومنان محدود به جغرافیای زمینی یا زمانی یا نژادی و دینی و محدود نیست؛ بلکه هر جایی مظلوم و مستضعف هست می‌داند که موجب رستگاری می‌شود.(توبه، آیه ۹) همچنین تلاشی می‌کنند تا با جهاد در راه خدا و مبارزه با دشمنان حق و عدالت از ظالمان و مستکبران و محاربان، از رستگاری برای خویش تنبیه کنند. (مانده، آیه ۱۰۴؛ توبه، آیات ۸۸ و ۱۱۱) از نظر قرآن، مجاهدان در راه خدا با همه وجود به میجاهدت می‌پردازند و از جان و مال خویش می‌گذرند تا اسلام و حقایق آن در جهان حاکمیت یابد. (توبه، آیات ۸۸ و ۱۱۱) انسان مجاهد

و مانند آن توجه داشته باشد و برای عدالت همه‌جانبه و فراگیر برنامه‌ریزی داشته باشد. در این راستا تاجران نباید تنها به فکر سود و سرمایه مادی دنیوی باشند، بلکه می‌بایست افزون براینکه تجارت خویش را به گونه‌ای ساماندهی و برنامه‌ریزی می‌کنند که به امور فرهنگی آسبی نرساند و مانعی برای آن نباشد، بلکه به امور فرهنگی کمک و یاری رساند. از همین رو تاجر اسلامی، برنامه‌ریزی در روزها و برنامه‌های خاص دینی همانند جمعه و مناسک حج را به گونه‌ای انجام می‌دهند که امور فرهنگی در وجه اول اهمیت قرار گیرد بی‌آنکه به تجارت و سود و سرمایه اقتصادی زیانی وارد شود.(جمعه، آیه ۹؛ بقره، آیه ۱۹۸؛ مانده، آیه ۲)
۳. تنظیم اسناد مالی: از دیگر واجبات و لوازم تحقق تجارت سالم آن است که اسناد مالی حتی نسبت به تجارت خرد نیز انجام شود و همه جزئیات معامله و تجارت نقدی یا نسیه مدت‌دار به شکل دقیق ثبت و ضبط شود؛ زیرا این اسناد خود به نوعی تضمین و ضمانتی برای معامله و تجارت و تأمین‌کننده جهش اقتصادی و تولید و صادرات است.(بقره، آیات ۲۸۲)

۴. رضایت طرفین: در معاملات و تجارت لازم است رضایت طرفین به خوبی و روشنی کسب شود و هیچ‌گونه اجبار و اکراه در آن راه نیابد؛ زیرا اکراه و اجبار و مانند آنها موجب می‌شود که اصل معامله

گناشت که قرآن از آن به بخش تعبیر می‌کند. پس تجارتی می‌تواند موجب صلاح و خیر اجتماع باشد و جامعه را به سوی تعالی و پیشرفت همه‌جانبه سوق دهد که در محور و مدار عدالت کمی و کیفی باشد. (صراف، آیه ۵۱؛ انعام، آیه ۱۵۲؛ مطفئین، آیات ۲ و ۳)

و تجارت مخدوش باشد و از صحت خارج شود؛ چنانکه می‌تواند برکت و آثار مثبت تجارت را از میان بردارد و خدا برکت زدایی از چنین معاملاتی کند.(نساء، آیه ۲۹)

۶. اجتناب از معاملات حرام: هر گونه تجارت به شکل کم فروشی، گران فروشی، کم‌گذاری و بخش، حرام فروشی، پلید فروشی و مانند آنها موجب بطلان معامله است. (بقره، آیه ۲۷۵؛ مطفئین، آیات ۱ تا ۳؛ هود، آیه ۸۵)

۶. یاد خدا: انسان باید در هر حال به یاد خدا باشد، معنا و مفهوم یاد خدا و ذکرش، هدف‌گذاری هر کاری برای خدا است؛ زیرا کسی که یاد خدا را نداشته باشد، فلسفه وجودی خود و افعالش را خدا قرار می‌دهد و تلاشی می‌کند کاری را انجام دهد که ربوبیت و پروردگاری الهی اقضا می‌کند. پس هرگز بر خلاف فلسفه افزایش و اهداف آن عمل و رفتار نمی‌کند. این گونه است که احکام و قوانین الهی را مراعات کرده و بر آن استند تا در هر کاری از جمله تجارت، اهداف الهی را برآورده سازد که تأمین‌کننده اهداف انسانی متعالی نیز است؛ زیرا اهداف الهی جز اهداف متعالی برای انسان نیست و همه قوانین و احکام الهی در راستای آن است؛ و کمال یابی انسان، به هر حال، هدف غفلت از خدا در معاملات و تجارت می‌بایست در دستور کار قرار گیرد تا اقتصادی سالم و جهش‌زا تحقق یابد. نتیجه عدم غفلت از خدا، توجه به عناصر فرهنگی است که در بالا اشاره شد. (نور، آیه ۲۷؛ جمعه، آیه ۱۰؛ بقره، آیه ۲۸۲)

حزب‌الله کسی است که همه هستی خویش را با خدا گره زده است و در روش و هدف در یک مجموعه منسجم و هم پیمان عملیاتی را انجام می‌دهد که موجب پیروزی مسلمانان می‌شود. از آیات قرآن به دست می‌آید که امت اسلام شامل گروه‌های چندی است است ایمان ها و منافقان و حتی اهل کتاب است؛ می‌شود که با پرداخت جزیه از حاکمیت و امنیت اسلامی بهرمند می‌شوند؛ اما در این میان، گروهی خاص هستند که از آنان به حزب‌الله یاد می‌شود؛ آنان یاوران الله هستند که در همه عرصه‌ها به نصرت خدا و دین می‌روند و به طور طبیعی از غنایات و اماداهای غیبی و غیر غیبی الهی بهرمند می‌شوند. چنین گروهی از امت اسلام به عنوان حزب‌الله در کارهای خویش موفق بوده و غلبه نهایی برای آنان خواهد بود، اجازة رستگاری و فلاخ نیز برای آنان رقم می‌خورد؛ زیرا اهل استقامت مومنانه و اطاعت از پیامبر(ص) و اولیای الهی هستند.(مجاهد، آیه ۲۲)

۷. قانون‌مداری: رستگاران کسانی هستند که بر انجام قوانین الهی و احکام الهی و زورند بر مدار و محور قانون‌مداری و شریعت اسلام عمل می‌کنند. آنان در این راه از هیچ چیز و هیچ کسی باکی ندارند و در برابر دشمنان کوتاه نمی‌آیند و هرگز از قانون عبور نمی‌کنند و اجازه نمی‌دهند تا مقدس و حیثیت ذاتی توبه، آیات ۱۱۱ و ۱۱۲)
۸. مرزبانی: مومنان دارای استقامت مومنانه، زمانی به کمال می‌رسند که در همه جنبه‌ها و ساحت‌های زندگی به پارسند. بر این اساس، اگر کسی بخواد رستگاری را به دست آورد، می‌بایست صبر ششمی را با صبر جمعی جمع کند و از مرزهای عقیدتی و جغرافیایی با همه وجود دفاع نماید و اجازه ورود به بیگانه‌ها عقیدتی و تجاوزز مغارب ندهد. از همین رو خدا می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آوردید صبر کنید و ایستادگی ورزید و مرزها را نگهبانی کنید و از خدا پروا نمایید، امید است که رستگار شوید. (ال عمران، آیه ۲۰۰)

که به هر حال از آموزه‌های قرآن به دست می‌آید که تا ترس و عقب‌نشینی از اصول و واجبات اسلامی و شریعت الهی نمی‌توان رستگاری و خوشبختی و سعادت را در دنیا و آخرت تجربه کرد؛ بلکه تنها در سایه استقامت مومنانه است که می‌توان رستگاری و فلاخ ابدی را تجربه کرد و سعادت دنیا و آخرت را به دست آورد.

بنابراین، هر کسی که گمان کند با تسلیم شدن در برابر فشارهای درونی و هوایای نفسانی یا شیطانی و سوسه‌های ابلیسی یا مستکبران و ظالمان جهانی می‌تواند رستگاری را به دست آورد، به‌تجربه‌ها و خطا رفته و دیگران را نیز به گمراهی و بدبختی کشانده است؛ زیرا تنها راه رستگاری، استقامت مومنانه بر اساس اسلام و قوانین آن است که عقل و نقل نیز آن را کشف می‌کند و حجت را بر انسان تمام می‌نماید

صفحه ۷

یک‌شنبه ۲۹ آذر ۱۳۹۹

۱۳ ربیع‌الثانی ۱۴۴۲ – شماره ۲۲۶۲۲

چراغ راهنابودی قدرت حاکم با ظلم قائل‌الامام(ع): «من جارت ولايته زالت دولته»امام علی(ع) فرمود: کسی که در دایره حکومتش ظلم و ستم کند، حکومتش از بین خواهد رفت. ^(۱)

۱- غرالحکم و دررالکلم، ج ۳، ص ۱۸۷

حکایت خوبان

اولویت‌بندی در انفاق و بخشش

امام صادق(ع) به نقل از پیامبر گرامی اسلام(ص) می‌فرماید: پنج خرما یا پنج تکه نان یا چند دینار (سکه طلا) یا درهم (سکه نقره) که آدمی به دست می‌آورد، و می‌خواهد آن‌ها را ببخشد، افرادی که به ترتیب شایسته‌تر انفاق هستند عبارتند از: اول: پدر و مادر، دوم: خود و خانواده‌اش سوم: نزدیکان فقیر چهارم: همسایگان فقیر و پنجم: در راه خدا که اجزش از همه کمتر است. (۱)

۱- الکافی، ج ۵، ص ۶۶

پرشش و پاسخمعیارهای انسانیت(۳)

پرشش:
اینکه در روایت آمده است اگر دین نداردی لافل انسان و آزاده باشید، ملاک‌ها و معیارهای انسانیت کدام است؟ پاسخ:

در دو بخش قبلی ضمن نگاه کلی به ملاک‌ها از منظر زیست‌شناسی و علوم انسانی به ملاک‌ها و شاخص‌های انسانیت شامل: علم و آگاهی ۲- خلق و خوی ۳- اراده ۴- آزادی ۵- مسئولیت و تکلیف ۶- زیبایی پرداختیم؛ اینک در بخش پائینی جمع‌بندی و نتیجه‌گیری بحث را بی می‌گیریم.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مفهوم کلمه انسانیت در طول تاریخ همواره نوعی تقدس و تعالی همراه بوده است. چنانکه شتون خاص مافوق حیوانیت انسان نظیر آگاهی و دانش، عدالت، اخلاق نیکو، آزادی، مسئولیت و تکلیف، زیبایی و وجدان اخلاقی به عنوان مقدسات و شاخص‌های انسانیت شناخته می‌شوند. با آنکه در بسیاری از مقدمات بشر تردید شده و حتی برخی از آنها مورد انکار قرار گرفته است، اما ظاهراً هنوز مکتبی در جهان پیدا نشده که عملا شتون خاص انسانیت و جلوه‌های زیبای ما فوق حیوانیت انسان را تحقیر کند و آنها را تقدیس نکند. البته ارزش‌های انسانی فراز و فرودهایی در طول تاریخ داشته اما هیچگاه صدر صد محکوم و نفی نشده است. در حال حاضر هم هر کسی تابع هر مکتبی هست می‌گوید: من طرفدار صلح، طرفدار آزادی هستم، بشر و انسان دوست هستم، طرفدار عادلتم، طرفدار حق هستم، طرفدار حقوق بشر هستم. حتی اعلامیه حقوق بشرر با این عبارت شروع می‌شود: «احترام به حیثیت ذاتی بشر» یعنی می‌خواهند برای بشر یک حیثیت ذاتی قابل احترام و تقدس قائل بشوند. چنین طرفداران «صلح کل» معتقدند که ما باید با قطع نظر از وابستگی به هر مکتب و مسلکی، بشر دوست و طرفدار صلح کل باشیم، در غیر این صورت به بشریت خیانت کرده‌ایم.

مکتب «اگوستین کنت» با طرح دورهای سه گانه: دوره ربانی و ماوراء طبیعی، دوره فلسفی و عقلی و دوره علمی و تحقیقی، «دین انسانیت» را اختراع کرد و با نفی خاص آموزه‌های دین را در مکتب خود مورد استفاده قرار می‌دهد، و نام دین انسانیت می‌گذارد نه دین خدا یا ریشه اعتقاد به غیب. ۲- انسان یک تفاوت اساسی با حیوان دارد و آن این است که حیوانات بافعل به دنیا می‌آیند ولی انسان موجودی است که دست درصدد یافتن به دنیا می‌آید و جلوه‌ها و شاخص‌های انسانیت او تماما بافعله است نه بافعل. معلوم نیست انسان در آینده چه می‌شود، ممکن است با شکل انسان امّا عقیدتش یک گرگ یا یک گوسفند باشد، «صدرالمতالیين» فیلسوف بزرگ اسلامی می‌گوید: به عدد افراد انسان، انواع انسان‌ها وجود دارد، چون انسان جنس است نوع، لذا می‌گویم انسانیت را ارزش‌های بافعله هستند، بعضی از افراد انسان به آن مقام انسان واقعی می‌رسند و بسیاری از افراد انسان اساسا به آن مقام واقعی انسان نمی‌رسند. به تعبیر امام علی(ع) «الصورۃ صورۃ انسان، والقلب قلب حیوان» یعنی شکل ظاهری انسان است ولی باطنش به قلب انسان (نهجنۃ البلاغۃ- خطبه ۸)

۳- اساسا در مکتب‌های اصالت انسان یک تناقض وجود دارد. آیا حق و دفاع از مظلوم و وجود دارد؟ اگر بگویید این احساسات در درون انسان وجود ندارد پس دعوت بشر به انجام آنها هم غلط است!

اما ما معتقدیم چنین شرافتی در درون انسان وجود دارد «فالمیها فجوهها و تقویها» (شمس- ۸)

یعنی انسان در عین اینکه خودخواه است و وظیفه دارد برای بقا و حفظ حیات خود برای خودش فعالیت کند ولی مکتب هستی‌اش خودخواهی نیست، شری‌خواهی هم هست، جهان‌سازی هم هست، دنیا‌سازی هم هست، بشریت هم هست و وجدان اخلاقی هم هست، اما در مکتب اصالت انسان به طور کلی حس تحسین نسبت به نیکان و حس تفر نسبت به بدان هیچ توجیهی ندارد. بنابراین طرفداران مکتب اصالت انسان چگونه می‌توانند دم از تقدس و حیثیت ذاتی بشر بزنند بدون اینکه در وجود بشر «فتحت فیه من روحی» را قائل باشند؟ وقتی که اصالت ارزش‌های ذاتی برایشان مشخص شد، اصل خود انسان و انسانیت برایشان مشخص می‌شود، و به دنبال اصالت انسان رابطه او با خدا روشن می‌شود. یعنی انسان و رابطه او با خدا از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند. «الله روضۃ السموات والارض» (نور- ۲۵) خداوند نور آسمان‌ها و زمین است.

۴- اسلام یک مکتب انسانی است، بدین معنا که در اسلام آن چیزهایی که مبنی بر تباهی‌های غلط بین انسان‌هاست مانند: افلام، نزاد، خون و منطقه و زبان ملاک امتیاز انسان‌ها نیست آنچه که ملاک امتیاز انسان‌ها است همان ارزش‌های انسانی و انسانیت است. اسلام درست است ولی به عنوان اینکه تعام معیارها و شاخص‌های انسانیت را هم در نظر بگیریم و دین را رها کنیم؛ این دو با یکدیگر توانمند و تفکیک‌ناپذیر. در این چهارچوب شاخص‌های شش‌گانه بحث انسانیت هم درست است و هم نادرست. یعنی به عنوان جزئی از انسانیت باید درست است ولی به عنوان اینکه تعام معیارها و شاخص‌های انسانیت باشد، درست نیست. همه موارد شش‌گانه در چهارچوب آموزه‌های وحیانی دین مورد تأکید قرار گرفته و برای تحقق بافعل انسانیت و خلیفه‌اللهی، انسان‌ها به آن دعوت شده‌اند، تا در وجود خود پیاده‌سازی کنند و انسانی متعالی و خلیفه‌الله شوند.